

فاشیسم اجتماعی



کیومرث اشتریان

جریانی که در دیاسپورای ایرانی و دنباله‌های داخلی آن در ذیل اعتراضات مدنی شکل گرفته، مستعد نوعی فاشیسم اجتماعی است که موضوع این نوشتار است. هرگونه اعتراض مدنی باید بتواند خود را از این آلودگی مصون نگه دارد تا از خشونت پرهیز کند و به اصلاح اجتماعی منجر شود. سواد سیاسی درباره فاشیسم، به‌ویژه برای جوانان و دانشجویانی که در معرض آن هستند، برای جوامعی که درگیر بحران‌های گوناگون اقتصادی-سیاسی هستند، یک ضرورت است. فهم این پدیده کمک می‌کند تا در سیاست داخلی-امنیتی دقت نظر صورت گیرد. فاشیسم در سنت سیاسی قرن بیستم برخلاف برخی ایدئولوژی‌های کلاسیک، نظریه‌ای کاملاً منسجم و یکپارچه نداشته است، اما با ویژگی‌هایی همچون ملی‌گرایی افراطی و دولت تمامیت‌خواه (توتالیتَر)، سرکوب مخالفان و استفاده از خشونت، مبارزه علیه نخبگان و برخی ویژگی‌های دیگر شناخته می‌شود. امروزه «فاشیسم اترناسیونال» دچار تورم مفهومی و توسعه مصداقی شده است که از سوی بنیادگرایی آمریکایی-اسرائیلی تغذیه می‌شود. این جنبش «فرقه‌ای-توده‌ای» از منتهی‌الیه راست آمریکایی، از نژادپرستی فرهنگی غربی، از آپارتاید اسرائیلی و گاه از کارآفرینی سرمایه‌داری تغذیه می‌شود و سودای بازگشت استعمار کهنه، توسعه‌طلبی و جنگ‌طلبی را در سر دارد. در جوامع بحرانی، فاشیسم از حذف‌شدگان سیاسی-اقتصادی-اجتماعی لشکر به لشکر نیرو می‌سازد تا در جنگی جهانی به خدمت سربازی برای توسعه‌طلبی درآیند. فاشیسم یک «شورش/ جنبش» نوپیدانه و خشونت‌گراست که از سر استیصال زبانه آتش به هر سو برمی‌کشد. اگر دیرزمانی محرومیت و نومیدی مردمان خمیرمایه اصلی فاشیسم بود، امروزه در میان طبقه متوسط و بالای اقتصادی نیز گسترش یافته است. شبکه‌های اجتماعی این محرومیت و نومیدی را با بزرگ‌نمایی به سوگی جمعی تبدیل می‌کنند. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که روایت‌های قربانی‌بودن می‌توانند به‌عنوان یک استراتژی ارتباطی برای بسیج سیاسی و کسب مشروعیت استفاده شوند (Hijacking Victimhood). رؤیای زندگی

زیاییی که از شبکه‌های اجتماعی ترسیم می‌شود، یک «ایدئولوژی تصویری» را برمی‌سازد که جایگزین ایدئولوژی‌های سنتی فعالیت سیاسی می‌شود. اگر در گذشته، نخبگان و روشنفکران وضعیت زندگی مردمان را صورت‌بندی تئوریک می‌کردند و رؤیای آینده را در قالب ایدئولوژی سیاسی روانه بازار فکری جوانان می‌کردند، امروزه این تصویرهای رؤیایی ساده در قالب یک عکس نوستالژیک یا یک «کلیپ ویدئویی» است که کار ایدئولوژی را برای برانگیختن جوانان می‌کند و کار آنان را می‌سازد و آنها را از خواندن، تجربه‌کردن، آموختن، صبر ورزیدن و عمق فکری داشتن بی‌نیاز می‌کند و نسخه‌ای سریع و رؤیایی برای فعالیت سیاسی آنان فراهم می‌کند. حمله به نویسندگان و دانشمندان و کتاب و دفتر و دیوان، سکه روز آنان می‌شود تا «شورش/ جنبش» آنان را تغذیه کند و روزی روزانه سیاسی آنان را فراهم کند. هر آن‌کس که در برابر این مجمه‌های توهین و تحریب مقاومتکی پنهان کند، گرفتار سنگین‌ترین حملات توهین‌آمیز می‌شود.

زبان مهم‌ترین ابزار تمدن‌ساز است که انسان را از غیر آن تمایز می‌بخشد. ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کنند، زندگی را می‌سازد، سیاست را بنا می‌کند، دموکراسی را فراهم می‌کند، صلح را به ارغام می‌آورد و آزادی را پله‌پله بنا می‌کند. زبان که مهم‌ترین ابزار ارتباطی بشر است، در زیرلایه‌ای هولناک از فحاشی و پرده‌دری بند می‌آید. زبان، مهم‌ترین ابزار آزادی انسان است. زبان فاشیسم، ضد زبان و بلکه خاموشی زبان است. تخطئه تفکر است، تحقیر اندیشه است، تخریم کتاب و دفتر است، شکست قلم است. در عرصه فاشیسم پیش از آنکه خشونت فیزیکی فضای عمومی را تصرف کند، خشونت زبانی عرصه گفت‌وگو را تسخیر کرده است.

فاشیسم با سلاح خشونت زبانی به سراغ آدمیانی می‌رود که در چاه نام و نان و مقام گرفتارند. هزار هزار مراهز زهرآکین زخم زبان را به درون آن چاه می‌اندازند تا او را وادار به تسلیم و تبعیت کنند تا نام و نان و مقام‌شان بر باد نرود. «وسه‌بازی» ممنوع است و باید تبعیتی بی‌چون‌وچرا کنند تا از مار و کژدم فحاشی و خشونت جان سالم به در برند.

^[1] فاشیسم با سلاح خشونت زبانی به سراغ

یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵
۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۴ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۹۱
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در شرایطی که کشور گرفتار محاصره دریایی و جنگ است تقاضاهای غیرضروری برای مصارف ارزی مطرح می‌شود

خاصه خرجی دلاری

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۲ بخوانید

«شرق» واکاوی می‌کند: چگونه معادلات یمن به بخشی از بده‌بستان ریاض و واشینگتن در جبهه ایران تبدیل شده است

دو جبهه، یک معامله؟



این گزارش رادر صفحه ۳ بخوانیدعکس اکبر توکلی ایران

یادداشت

چشم‌انداز نفت، بازار ارز و معادلات جنگ



آنوش رحام

تحلیلگر

نخستین نشانه به گزارش منتشرشده درباره وضعیت صادرات نفت ایران بازمی‌گردد. فارغ از اینکه صحت کامل داده‌های ارائه‌شده توسط کیلر محل بحث باشد، اهمیت این گزارش در خود ارقام نیست، بلکه در پیام روانی نهفته در آن است. بازارها پیش از آنکه به واقعیت‌ها واکنش نشان دهند، به انتظارات واکنش نشان می‌دهند. برابر ادعای کیلر، فقط ۱۵ میلیون بشکه نفت خارج از محاصره برای ایران باقی مانده که بتواند آن را به فروش برساند و بعد از آن، درآمد کشور از محل فروش نفت کاهش شدیدی پیدا خواهد کرد. وقتی این گزاره در فضای رسانه‌ای مطرح می‌شود که فقط حجم محدودی از نفت ایران برای فروش باقی مانده و درآمدهای ارزی کشور در هفته‌های آینده با کاهش مواجه خواهد شد، اثر اولیه آن نه بر درآمد نفتی، بلکه بر انتظارات فعالان اقتصادی، نرخ ارز و رفتار سرمایه‌گذاران ظاهر می‌شود. در واقع اگر هدف صرفاً تحلیل

یادداشت

قدر کل و شرارت مطلق



ناصر ذکاری

کارشناس اقتصادی

نزدیک به ربع‌قرن از روزی که رئیس‌جمهور وقت آمریکا توصیف محور شرارت (Axis of Evil) را در مورد ایران و چند کشور دیگر به کار برد، می‌گذرد. چنین نگاهی به جهان هرچند در تاریخ سیاست خارجی آمریکا تاریک نداشت، اما شروعی برای نوع جدیدی از نقش‌آفرینی این دولت در میدان سیاست جهانی بود: استفاده مفرط از زبان تهدید نظامی برای حفظ موقعیت خود به‌عنوان اقتصاد برتر جهان. البته این نقش‌آفرینی چندان هم موفقیت‌آمیز نبود و در طول این سال‌ها جایگاه برتر اقتصاد آمریکا در رتبه‌بندی اقتصادهای بزرگ جهان به‌طور مداوم با تهدید بیشتری از سوی رقیباً روبه‌رو بوده است. اینکه یک دولت دشمنان بالفعل یا بالقوه خود را متهم به شرارت کند، جای تعجب ندارد، اما با مطرح شدن چنین تعبیری غیر از گسترش نفرت‌پراکنی، این نکته مورد توجه نظر اهل قرار می‌گیرد که به‌راستی معیار و شاخص رفتارهایی از نوع شرارت چیست و کدام دولت یا موجودیت سیاسی شایسته چنین عنوانی است یا حداقل شایستگی بیشتری برای آن دارد؟ شرارت را در قدم اول می‌توان در قالب نادیده‌گرفتن نظامات قانونی تصور کرد. شخص شور حاکمیت و حکمیت قانون را نمی‌پذیرد و با استفاده از زور یا نیرنگ تلاش می‌کند به خواسته‌های خود برسد. در قدم دوم او تلاش خواهد کرد با تسلط بر نهاد قانون‌گذاری، قوانین و مقررات مطلوب خود را حاکم کند؛ قوانینی که حافظ منافع او هستند و سیاست او را در دوره‌های آینده حفظ می‌کنند. اما همین میزان از تسلط هم رضایت او را فراهم نخواهد کرد و اگر موقعیتی فراهم شود، حتی ممکن است قوانین حافظ منافع خود را هم زیر پا بگذارد. درواقع وضع قانون و پذیرش حاکمیت آن در جامعه بشری یکی از اولین دستاوردهای تمدن بشری بوده که تلاش کرده نظمی معقول در جامعه انسانی ایجاد کند و با تنظیم مناسبات بین انسان‌ها، زمینه‌های شرارت را از بین ببرد. اشخاص و حکومت‌هایی هم که در طول تاریخ بی‌اعتنایی خود را به چنین نظمی نشان داده‌اند، مصداق‌های بارز شرارت هستند. موارد زیادی از رفتار دولت آمریکا را می‌توان مثال زد که نشان‌دهنده تمایل مفرط به نادیده‌گرفتن قوانین بین‌المللی هستند. در سال‌های اخیر و در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران، خروج یک‌جانبه از توافق برجام که موجب شد ایران از دستاوردهای این توافق محروم شود، مثالی شایان مطالعه است. طرف‌های درگیر در این مذاکرات بعد از دور طولانی گفت‌وگو و

رئیس‌جمهوری:

نماز می‌تواند دل‌ها را به یکدیگر نزدیک و جامعه را استوارتر کند

۲

برگزیده‌ها

ذخایر انرژی، مسیرهای جایگزین و تنوع تأمین، به ابزارهای تازه قدرت پس از تنش در خلیج فارس تبدیل شده‌اند

جهان پس از بحران هرمز

۴

نگاهی به «قبیله علیّه آذادی» ماریو بارکاس یوسا

آزادی علیه آزادی

۷

گزارش «شرق» از افزایش گلابه‌ها از فاصله میان درآمد هزینه‌های زندگی و شرایط کار در مدارس

برگه‌های سفید

اعتراض معلمان

۵

از هرمز تا وال استریت

چه کسی هزینه بحران را می‌پردازد؟

۶

نگاه

درس‌هایی از مکان‌یابی

زمین‌لرزه‌ها

یادداشتی از مهدی زارع

تبلور عدالت در اعمال

حاکمیتی حکومت

یادداشتی از محمدهادی جعفرپور

۸

یادداشت

اهل ساختن، اهل بخشیدن

از برادران ملااحمدی تا مسعود صرامی



روزبه‌کردونی

ایران را فقط سیاست‌مداران و تصمیم‌های بزرگ سیاسی سرر پا نگه نمی‌دارد؛ ایران همچنین بر شانه کسانی ایستاده است که در سخت‌ترین روزها، هنوز می‌مانند، می‌آفرینند و چیزی بر امکان زندگی در این سرزمین می‌افزایند.

برادران ملااحمدی و مسعود صرامی در اصفهان از همین آدم‌ها هستند. روز چهارشنبه هفتم شهریور در معیت دکتر صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، برای افتتاح هتل ویرا به اصفهان رفتیم. هتل باشکوه بود، اما از میان همه تصاویر آن مراسم، یک صحنه بیشتر در ذهنم ماند. در پایان مراسم، دکتر صالحی‌امیری ابتکار جالبی به خرج داد؛ سه برادر ملااحمدی را همراه با همسران، فرزندان و نوه‌هایشان روی صحنه فراخواند. دیدن چند نسل از یک خانواده در کنار یکدیگر، لحظه‌ای گرم و معتادار بود. این تصویر فقط عکس یادگاری یک خانواده نبود؛ تصویری از انتقال مسئولیت میان نسل‌ها بود. بعضی خانواده‌ها فقط نژوتشان را به نسل بعد منتقل می‌کنند؛ بعضی دیگر، همراه ثروت، مسئولیت را نیز به ارث می‌گذارند. به فرزندان‌شان می‌آموزند آنچه در اختیار دارند، فقط برای برخورداری بیشتر نیست؛ امکانی است برای مفیدبودن بیشتر. برادران ملااحمدی از خیران مدرسه‌ساز اصفهان نیست‌هستند؛ یعنی پیش از ساختن هتل، در ساختن مدرسه و آینده‌کودکان این سرزمین سهم داشته‌اند. مدرسه‌سازی یکی از خالص‌ترین صورت‌های امید به آینده است. کسی که مدرسه می‌سازد، برای کودکانی سرمایه‌گذاری می‌کند که شاید هرگز آنان را نبیند و به فرادای اعتماد می‌کند که ممکن است خود در آن حضور نداشته باشد. مدرسه فقط کلاس و دیوار نیست؛ امکانی است برای آنکه کودکی از محدودیت‌های امروز خود فراتر برود و زندگی متفاوتی بسازد.

^[1] امکانی است برای آنکه کودکی از محدودیت‌های امروز خود فراتر

^[2] برود و زندگی متفاوتی بسازد.

^[3] امکانی است برای آنکه کودکی از محدودیت‌های امروز خود فراتر

^[4] برود و زندگی متفاوتی بسازد.